



انجمن علمی فقه‌بزرای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌بزرای تطبیقی

Volume 1, Issue 4, 2021

Civil and Criminal Liability of Trustee in Imamiyyah Jurisprudence and Legal Systems of Iran and Common Law

Saba Sadar Hosseini*¹

1. PhD, Department of Private Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. (Corresponding Author)

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 137-152

Corresponding Author's Info

ORCID: 0009-0007-5498-4892

TELL: +9877009800

Email:

hosseini.phdprivatelaw@gmail.com

Article history:

Received: 08 Aug 2021

Revised: 19 Oct 2021

Accepted: 21 Nov 2021

Published online: 22 Dec 2021

Keywords:

Trust, Trustee, Civil Liability, Criminal Liability, Negligence, Compensation.

ABSTRACT

Trust in Iran's civil law comes under certain contracts and is defined as a deposit. By induction in various cases, wherever a person acquires dominion over the property of another with the permission of the owner or in the implementation of the provisions of the contract or the law, he is considered the trustee of the owner. In Imamiyyah jurisprudence, deposit is a type of trust that is done in order to preserve property. In common law, whenever property, other than absolute ownership, is in someone's possession, it is usually considered under the title of trust. Trust is a part of property rights based on which the person who is named as the assignor places the money at the disposal of a person, whether real or legal, to maintain or manage it. From the criminal aspect in Imami jurisprudence and Iranian law, betraying a trust is forbidden and has been examined under the title of betraying a trust and at common law, while breach of trust is primarily a civil matter, if the breach involves fraudulent or improper conduct, it can lead to criminal charges such as theft, fraud, or abuse of public office and a specific criminal offense is recognized in State of Florida, entitled "Financial Exploitation of Elderly or Disabled, Vulnerable Adults", where a person knowingly causes financial loss to an elderly person for their own benefit in the financial affairs of a vulnerable adult can be accused of this crime.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2021 The Authors.

How to Cite This Article: Hosseini, SS (2021). "Civil and Criminal Liability of Trustee in Imamiyyah Jurisprudence and Legal Systems of Iran and Common Law". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 1(4): 137-152.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌های تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌های تطبیقی

دوره اول، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰

مسئولیت مدنی و کیفری امین در فقه امامیه و نظام‌های حقوقی ایران و کامن‌لا

صبا سادات حسینی*

۱. دانش‌آموخته دکتری، گروه حقوق خصوصی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

چکیده

امانت در قانون مدنی ایران در ذیل عقود معین آمده است و به‌عنوان ودیعه تعریف شده است. از استقراء در موارد گوناگون، در هر جا که شخص به اذن مالک یا در اجرای مفاد قرارداد یا حکم قانون بر مال دیگری سلطه پیدا می‌کند، امین مالک محسوب می‌شود. در فقه امامیه، ودیعه نوعی استنابه است که به‌منظور حفظ مال انجام می‌شود. در کامن‌لا هرگاه مال، غیر از مالکیت مطلق، در تصرف کسی باشد معمولاً تحت عنوان امانت تلقی می‌شود. تراست بخشی از حقوق اموال است که براساس آن فردی که از آن به‌عنوان واگذارکننده نام برده می‌شود، مالی را در اختیار شخص اعم از حقیقی و یا حقوقی قرار می‌دهد تا به حفظ یا مدیریت آن اقدام نماید. از جنبه کیفری در فقه امامیه و حقوق ایران، خیانت‌کردن به امانت حرام است و تحت عنوان خیانت در امانت بررسی شده است و در حقوق کامن‌لا درحالی‌که نقض اعتماد در درجه اول یک مسأله مدنی است، اگر نقض شامل اقدامات متقابلانه یا نادرست باشد، می‌تواند به اتهامات کیفری مانند سرقت، تقلب یا سوءاستفاده از مقام عمومی منجر شود و در ایالت فلوریدا یک جرم جنایی خاص با عنوان «بهره‌کشی مالی از افراد مسن یا معلول، بزرگسالان آسیب‌پذیر» به رسمیت شناخته می‌شود که اگر شخصی در امور مالی بزرگسال آسیب‌پذیر، آگاهانه به نفع خود متحمل خسارات مالی به سالمند شود، می‌تواند متهم به این جرم شود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۳۷-۱۵۲

اطلاعات نویسنده مسئول

کد ارکید: ۴۸۹۲-۵۴۹۸-۵۰۰۷-۰۰۰۹

تلفن: +۹۸۷۷۰۰۹۸۰۰

ایمیل:

hosseini.phdprivatelaw@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۷

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

امانت، امین، مسئولیت مدنی، مسئولیت کیفری، تقصیر، جبران خسارت.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

در قلمروی فقه امامیه و حقوق ایران، امین به معنای امانت‌دار و کسی که به اجازه و اذن مالک و یا شارع، مال دیگری را نزد خود حفظ نموده، به طوری که دیگران او را امین بنامند، تعریف شده است که یا با انعقاد عقد یا بدون انشای عقد، امین تلقی می‌شود. امانت ممکن است ناشی از عقد ودیعه (به معنی اخص) یا ناشی از عقود دیگر مانند اجاره در ماده ۴۹۳ قانون مدنی و یا غیر از عقد مانند امانت در لفظه در ماده ۱۶۸ قانون مدنی باشد.

امانت در کشور انگلستان یک امر به خصوصی است و ممالک دیگر از قوانین حقوقی و قانونی قدیمی انگلستان بهره می‌برند. مبدأ این موضوع در قرون وسطی است. ریشه تاریخی امانت که ابتدا «استفاده» نامیده شد، محصول تقسیم کار بین دادگاه‌های قرون وسطی انگلستان می‌باشد که این مسأله در فرم قانون عمومی کامن‌لا اجرا شد.

در حقوق انگلیس امانت به طُرق ذیل ایجاد می‌گردد:

۱- اعلام از سوی واگذارکننده^۱ مبنی بر امین بودن امانت‌گیرنده؛
 ۲- از طریق انتقال اموال به امین. چنانچه واگذارکننده مورد ۲ را انتخاب نماید، رابطه امانی تا زمان تفویض عنوان قانونی به امین، به طور کامل تشکیل نخواهد گردید. آنچه واگذارکننده باید انجام دهد، منوط به یک نوع انتقال و واگذاری می‌باشد، چنانچه اموال منقول بوده، می‌بایست به نحو فیزیکی قبض گردد و چنانچه سهام بوده، انتقال و واگذاری سهام می‌بایست در دفتر ثبت شرکت، به ثبت برسد و چنانچه رابطه امانی به موجب وصیت‌نامه ایجاد گردد، وصیت‌نامه مذکور می‌بایست طبق شروط و تشریفات قانونی مندرج در قانون وصیت‌نامه‌ها مصوب ۱۸۳۷ تنظیم گردیده باشد.

امانت صرفاً به خواست واگذارکننده، هرگز از بین نمی‌رود، اما ممکن است خود امین از قبول کردن مدیریت امانی سرباز بزند که در این صورت باید مراحل قانونی‌اش را طی کند، مبنی بر این که به چه دلیلی امانت را قبول نکرده است (Barker & Padfield, 1998: 237).

درخصوص جنبه کیفری حق مالکیت در حقوق ایران، حقوق جزا برای حمایت از آن، به ضمانت اجرای کیفری متوسل شده است، بدین ترتیب ارتکاب جرایم علیه اموال و مالکیت گسترش یافته و زمینه وضع جرایم در قالب سرقت، خیانت در امانت، کلاهبرداری و ... را فراهم ساخته است. هدف از پیش‌بینی ضمانت اجرای کیفری برای این‌گونه جرایم، رفع تجاوز از مال غیر و برقراری امنیت اقتصادی در جامعه می‌باشد، چراکه با وقوع چنین جرایمی، علاوه بر نقض حقوق مالکانه اشخاص جامعه نیز با تزلزل پایه‌های اقتصادی و اختصاص منابع عظیمی جهت پیشگیری از جرم و ترغیب و دستگیری مجرمین روبه‌رو شده و متضرر خواهد شد (میرمحمدصادقی، ۱۳۷۸: ۱۱۹) و در حقوق کامن‌لا، با گذشت زمان برای هریک از جرایم علیه اموال، در بیشتر کشورها به خصوص کشورهای دارای حقوق نوشته، عناوین و ارکان مستقلی پیش‌بینی شده، ولی در حال حاضر این جرم در تمامی نظام‌های حقوقی وضعیت یکسانی نداشته و دارای وجوه اشتراک و افتراق می‌باشد. برای مثال در قانون کشور ایران که دارای حقوق مدون است، بزه خیانت در امانت دارای عنوان مستقلی از سایر جرایم علیه اموال است و تحت همان عنوان، مرتکب قابل تعقیب و مجازات است و این در حالی است که جرم مذکور در هردو کشور ایالات متحده و انگلستان، نقض اعتماد به خودی‌خود به عنوان یک جرم کیفری تحت قانون عادی محسوب نمی‌شود. با این حال، اگر نقض اعتماد شامل اقداماتی مانند تقلب، سوءاستفاده از اموال یا سرقت باشد، می‌تواند منجر به اتهامات کیفری شود. در ایالات متحده، نقض اعتماد در قانون مدنی، اغلب منجر به دادخواهی‌های مدنی می‌شود، جایی که شخص معتمد (یا امانت‌دار) ممکن است به خاطر خسارت‌ها یا اجرای خاص تحت پیگرد قرار گیرد. شخص متضرر ممکن است به دنبال جبران خسارت، صدور دستور توقیف یا حسابرسی باشد.

در این مقاله تلاش شده است که مباحث حول محور مسؤولیت مدنی و کیفری امین و عمده‌ترین مبانی نظری در مسؤول قلمدادکردن امین و آثار ناشی از این مسؤولیت در فقه امامیه و دو نظام حقوقی ایران و کامن‌لا بررسی شود.

^۱ - Settlor

۱- ماهیت امانت

در حقوق ایران ماهیت امانت که مصداق کامل آن، عقد ودیعه است، حفاظت از مال امانی، به نفع مالک یا دارنده آن، بدون ایجاد کوچک‌ترین تغییر، نقص یا بهره‌ای از مال امانی می‌باشد.

اما در حقوق انگلیس، امانت قراردادی است که اساساً به انگیزه‌های مالی و مادی منعقد می‌گردد، هرچند که وظیفه نگاهداری از مال امانی را نیز برعهده دارد، اما مسئولیت مدیریت و سرمایه‌گذاری در مال امانی را نیز بر دوش امین قرار داده است. خصیصه متمایز امانت، دوگانگی مالکیت می‌باشد. امین، مالک قانونی و منتفع، مالک منصفانه و اصلی ملک به شمار می‌آید (Barker & Padfield, 1998: 230-239).

امانت عبارت است از یک رابطه پولی یا مالی که مقید است به این‌که شخص دارای عنوان مالکیت، وظیفه‌ای منصفانه دارد تا اموال را برای انتفاع دیگران اداره نماید و این رابطه‌ای است که در نتیجه اظهار قصد ایجاد آن، به وجود می‌آید. امانت و عقد، دو مفهوم کاملاً متفاوتی هستند، زیرا عقد مفهومی است متکی بر توافق طرفین و نیازمند عوض می‌باشد، اما امانت مفهومی است که مبتنی بر قاعده انصاف بوده و اساساً متکی بر قصد مالک می‌باشد و تقریباً یک نوع حق مالکانه برای ذی‌نفع ایجاد می‌کند (Mandstey & Burn, 1978: 8).

وضعیت امانت از حیث رضایی یا تشریفاتی بودن، یک نوع عقد تشریفاتی می‌باشد که تشریفات آن، بسته به مالی که منتقل می‌شود، فرق می‌کند، به علاوه یکی از مهم‌ترین شرایط انعقاد امانت، اعلان آن می‌باشد، به طوری که بدون اعلان آن از طرف واگذارکننده، امانت محقق نمی‌گردد و اعلان نیز باید از طریق سند کتبی و مورد تأیید افراد موثق صورت گیرد (Mandstey & Burn, 1978: 75).

در امانت اصولاً مالکین برای فرار از پرداخت مالیات و یا فرار از دست بستانکاران اقدام به انعقاد امانت می‌نمایند، به همین جهت می‌توان گفت اصولاً امانت یکی از قراردادهایی است

که جنبه مالی داشته و اکثر اهدافی که از طریق امانت دنبال می‌شود، جنبه انتفاعی دارد، مگر در امانت‌هایی که برای منافع عموم منعقد می‌گردند و جنبه عام‌المنفعه دارند، البته نباید امانت را از جمله عقود معوض دانست، زیرا واگذارکننده، عملاً در قبال انتقال مال، عوضی دریافت نمی‌دارد و امین نیز در مقابل، چیزی پرداخت نمی‌کند، ولی غالباً امین در مقابل تعهداتی که در امانت برعهده می‌گیرد یا اجرتی دریافت می‌دارد یا از منافع مال، منتفع می‌گردد، در نتیجه نهاد حقوقی امانت، طریقی است که برای وصول به اهداف مختلفی مورد استفاده قرار می‌گیرد که عبارتند از: ۱- قادر ساختن افرادی که در حالت عادی، قادر به تملک برخی از مالکیت‌ها نمی‌باشند؛ ۲- بتوان وراثت را از منافع مالی بهره‌مند ساخت، مثلاً به صورت توافقی و ...؛ ۳- به منظور ایجاد توانایی برای تملک دو یا چند نفر در یک ملک؛ ۴- برای افزایش منافع عمومی (استفاده عموم)؛ ۵- به منظور فرار یا کاهش مسئولیت‌های مختلف مالیاتی (Barker & Padfield, 1998: 230-239).

۲- انواع تصرف امین بر مال امانی

در فقه امامیه و حقوق ایران، نحوه تصرف امین به رابطه‌ای که میان امین و مال غیر برقرار می‌شود، بستگی دارد، با این توضیح که اگر تصرف امین بر مال در قالب قرارداد باشد، امین قراردادی و اگر در قالب قرارداد نباشد، امین قهری یا قانونی نام می‌گیرد که به تبع آن، نوع تصرف وی نیز متفاوت خواهد بود:

۱- امانت استیمانی: استیمان، یعنی فراخوانی به امانت‌داری خواه در عقود باشد، مانند ودیعه، عاریه، مضاربه و وکالت، خواه در خارج از عقود، مانند استیمان ولی قهری، وصی، قیم و متولی وقف.

۲- امانت شرعی: (=امانت غیراستیمانی، امانت قانونی). معیار در این امانت دو چیز است: اول، نبودن اذن مالک برای تصرف در مال او؛ دوم، اذن شارع در تصرف در آن مال. بنابراین چنانچه همسایه، مال مسروق را از دست دزد خارج کند تا به مالک برساند و یا عقد ودیعه به موت امین منحل گردد و مال نزد ورثه او باشد، ایادی مذکور در این دو مورد، امانت شرعی (قانونی) است. در امانات شرعی، حتی بدون مطالبه مالک،

سوم، امانت حکمی و قانونی: این‌ها اماناتی می‌باشند که از سوی قانون، صرف نظر از قصد طرفین تحمیل می‌گردند.

۲- اموال امانی خیرخواهانه (امانت عمومی): جهت تحقق یک امانت با هدف خیرخواهانه، سه شرط می‌بایست تحقق یابد:

اول، می‌بایست در معنای قانونی، خیرخواهانه باشد: که در پرونده مأموران ویژه مالیات بر درآمد به طرفیت Pemsel (۱۸۹۱). امانات خیرخواهانه به چهار گروه طبقه‌بندی شد: ۱- جهت رفع فقر؛ ۲- آموزش؛ ۳- مذهب؛ ۴- برای سایر اهداف عام‌المنفعه (منظور از اهداف عام‌المنفعه، اهدافی همچون حمایت از حیوانات، ارائه خدمات و امور عمومی، مانند احداث پل، موزه، تأسیس سازمان آتش‌نشانی، تأمین وجوه اضطراری و توسعه کارآیی نیروهای مجهز می‌باشد، اما این امانت‌ها اگر به منظور اهداف سیاسی صورت گیرد، خیرخواهانه به‌شمار نیامده و در این زمره قرار نخواهد گرفت؛ دوم، می‌بایست موجب انتفاع جامعه در کل یا حداقل بخشی از آن گردد؛ سوم، می‌بایست کاملاً و منحصرأً خیرخواهانه باشد.

نکته قابل توجه این است که قانون همواره با وقف ملک یا سایر اموال برای مدت نامحدود مخالف بوده است. دو قانون در این خصوص تدوین گردیده که هردوی آن‌ها نسبت با امانت خصوصی اعمال می‌گردد: اول، قاعده علیه نامحدودبودن وقف^۴؛ دوم، قاعده مغایر با امانت دائم^۵ (Barker & Padfield, 1998: 231-236).

۳- وظایف امین در امانت

در حقوق ایران، امین در معنای خاص امانت، فقط مسؤول حفاظت و نگاه‌داری از مال امانی است.

در حقوق کامن‌لا امین باید تمام مهارت و مواظبت خود را برای مال امانی به‌کار ببرد، حتی اگر امانت‌دهنده از او نخواهد، احکام امانت و وظایف امین در حقوق کامن‌لا از پیش مشخص می‌باشد، این وظایف به‌صورت مستند، بین

امین مکلف به رد مال است برخلاف امانت قراردادی (مالکانه) که این تکلیف پس از مطالبه مالک پدید می‌آید (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۶۲۵/۱-۶۲۱).

در کامن‌لا امانت‌دار، شخصی است که در یک زمینه رسمی یا حرفه‌ای مجاز است از پول شخص دیگری استفاده کند یا به حساب‌های بانکی یا کارت‌های اعتباری شخص دیگری دسترسی داشته باشد (Ratzan & Accidomo, 2024).

در حقوق انگلیس تصرفات امین برحسب منشأ ایجاد آن، تقسیم می‌شوند به: ۱- امانت عمومی^۱؛ ۲- امانت قضایی^۲؛ ۳- امانت سرپرست «وصی»^۳ (Martin, 2006: 548-550).

در حقوق انگلیس اصولاً نوع تصرف، به نوع مال امانی بستگی دارد که به دو گروه تقسیم می‌گردد: ۱- اموال امانی خصوصی؛ ۲- اموال امانی خیرخواهانه.

۱- اموال امانی خصوصی (امانت‌های خصوصی): امانت‌ها یا ترتیبات امانی خصوصی، به سه گروه طبقه‌بندی می‌گردند: اول، صریح؛ دوم، ضمنی؛ سوم، استنباطی - حکمی.

اول، امانت صریح: این امانت، صراحتاً از سوی واگذارکننده، برای تمام عمر، به‌موجب وصیت‌نامه برای انتفاع یک یا چند شخص خاص یا گروهی از اشخاص ایجاد می‌شود که ممکن است کتباً و به‌موجب سند قانونی یا صرفاً در برخی موارد شفاهاً اعطاء گردد که سه نوع قطعیت در جهت ایجاد این رابطه امانی، ضروری می‌باشد: ۱- قطعیت در قصد؛ ۲- قطعیت در موضوع؛ ۳- قطعیت در هدف و به محض ایجاد رابطه امانی، منتفع از امانت، درخصوص اجرای حقوق قانونی خویش به‌طور کامل ذی‌حق خواهد بود. منتفعینی از مساعدت دادگاه برخوردار خواهند بود که به‌موجب یک رابطه امانی کامل، واجد این عنوان گردیده باشند.

دوم، امانت ضمنی: یک رابطه امانی ضمنی، مبتنی بر قصد مفروض واگذارکننده می‌باشد.

^۴- The Rule against Remoteness of Vesting

^۵- The Rule against Perpetual Trust

^۱- Public Trustees

^۲- Judicial Trustees

^۳- Custodian Trustees

از دیگر وظایف امین، به‌طور مساوی عمل کردن بین ذی‌نفع‌ها و قدرت به دادن پیش‌پرداخت می‌باشد. همچنین یک امین در انجام وظایفش باید قادر به پاسخگویی به دادگاه باشد (Martin, 2006: 548-550).

به‌علاوه امین باید در طول مدت امانت، به ارزش مال امانی بیافزاید و مال امانی در دست امین باید سوددهی داشته باشد و این سود و بهره‌برداری از مال امانی را به ذی‌نفع‌ها بدهد (Garner, 1999: 1514).

به‌صورت جامع، وظایف امین در حقوق انگلیس به این شرح است:

۱- اداره مال: امین باید همان‌گونه که از اموال خود مراقبت و مواظبت می‌نماید، از مال امانت نیز محافظت کند و در صورت داشتن تخصص در زمینه حفظ و نگاه‌داری از مال باید از تخصص خود نیز بهره گرفته و در حفظ مال بکوشد، چراکه در غیر این صورت و در اثر قصور از انجام وظایف و شرایط مقرر در قرارداد امانی و کوتاهی در دفع خطرات احتمالی که قدرت بر دفع آن را داشته باشد، شخصاً مسؤول خسارات وارده خواهد بود، اما در هر حال مسؤولیت‌های ضرر وارده در اثر حوادث غیرمترقبه، مانند قوه قاهره و یا اشتباهات قضایی، برعهده او نخواهد بود.

امین باید در انجام تعهداتش نهایت دقت را به‌عمل آورد، چراکه قاعده انصاف، کمتر در مورد او به دیده اغماض می‌نگرد، مثلاً از یک امین خواب‌آلود، حمایت نمی‌کند. همچنین نظارت بر اموال امانی، امر ضروری بوده و باید در کنترل اموال امانی، دقیق بوده و کلیه مطالبات مربوط به اموال را به موقع وصول نموده و یا در صورت نیاز، اقدام به اقامه دعوی، جهت استرداد دیون نماید.

۲- سرمایه‌گذاری توسط متولی: قانون نحوه سرمایه‌گذاری توسط متولی مصوب ۱۹۶۲ به امین اجازه سرمایه‌گذاری در مورد یک‌دوم از وجوه امانی، در شرکت‌های سهامی عام را داده است، اما مابقی وجوه باید با امنیت و احتیاط بیشتری مورد سرمایه‌گذاری قرار گیرد، این اختیارات قانونی اغلب از طریق شروط ضمن عقد امانت که حتی می‌تواند اختیارات

امین و کسی که منفعتش در میان است، ثبت می‌شود. امانت‌دار موظف است که مدیریت امانت را به‌دقت به نفع منافع شخص امانت‌دهنده مدیریت کند. بنابراین ضروری است که امانت‌دار اطلاعاتش را در رابطه با معاملات و هر اقدامی که به سود امانت‌دهنده به هر صورتی باشد، به‌کار ببرد، به‌علاوه اگر یکی از امانت‌گذارها یا ذی‌نفع‌ها، آشنا یا شاکی امین باشد، امین نباید اموال این شخص را نسبت به دیگران بهتر نگاه‌داری کند و یا سود کمتری به او دهد (Jones Co, 2008: 4). ملاک در انجام وظایف امین در امانت، نوعی و به‌صورت متعارف می‌باشد. امین علاوه‌بر این که مالک مال امانت محسوب می‌شود، تا حد زیادی در مقام اداره مال امانت، از اختیار اعمال تصرفات مالکانه در مال امانت، از جمله فروش و وکالت در اداره برخوردار است. براساس قاعده انصاف، سرمایه‌گذاری وجوه امانی در زمینه‌های سودآور از وظایف امین محسوب می‌شود، البته به امین اجازه داده نمی‌شود که در سرمایه‌گذاری وجوه امانی، به دلخواه و به تشخیص خود عمل کند، اگرچه از لحاظ حقوقی او شخصی است که در ملک خود، تصرف می‌کند و مال خود را مورد معامله قرار می‌دهد، اما باید فقط دست به معاملاتی بزند که برگشت سرمایه و سود آن تقریباً حتمی‌الصدور باشد (Mandstey & Burn, 1978: 431-432).

همچنین امین باید حساب‌های امانت را سالی یک مرتبه به ذی‌نفع‌های امانت ابلاغ کند و حساب‌های آن سال را برایشان توضیح دهد، البته مشروط بر این که ذی‌نفع‌ها، هزینه لازمه را پرداخت کرده باشند. هزینه‌های این حسابرسی باید از محل اصل سرمایه امانت و یا از محل درآمدهای آن، پرداخت شود یا این که به طریق دیگری باید ترتیب پرداخت آن داده شود که آن هم بسته به تشخیص امین دارد. اصولاً امین باید اطلاعات دقیقی درخصوص خصوصیات و ویژگی‌های ذی‌نفع‌ها تهیه نمایند و اسنادی را درخصوص مالکیت آن‌ها به ایشان ارائه دهند، این اسناد که به مال امانت مربوط می‌شوند، جزء اموال و دارایی‌های افراد ذی‌نفع محسوب می‌شوند (Mandstey & Burn, 1978: 516).

دستور یا اجازه منتفعین واجد اهلیت و یا طبق حکم دادگاه به او اجازه این کار داده شود، البته مخارجی را که در خلال انجام وظایفش متحمل می‌شود را می‌تواند از سرمایه اصلی امانت بردارد (Barker & Padfield, 1998: 237).

از جنبه کیفی، در نظام حقوقی اسلام نیز رد امانت به‌عنوان یک وظیفه شرعی مورد توجه قرار گرفته و خائن در امانت مورد مذمت شدید شارع مقدس واقع شده و آیات و روایات متعددی در خصوص تقبیح عمل خیانت در امانت و وجوب رد امانت به امانت‌گذار آمده است، بدین‌منظور در برخی از آیات قرآن کریم، سوره انفال آیه ۲۷ و سوره نساء آیه ۵۸، خداوند متعال، مؤمنین را به رعایت امانت‌داری امر فرموده و در برخی دیگر از آیات، خیانت در امانت صراحتاً نهی شده و ارتکاب آن، گناه محسوب شده است و در روایات منقول از ائمه (ص) نیز خیانت در امانت منع شده و خائن در امانت، مستحق تعزیر شناخته شده است (طوسی، ۱۴۰۰: ۳۵۵).

در حقوق کامن‌لا مدیران تجاری با کارت حساب هزینه نسبت به شرکت وظیفه امانت‌داری دارند، کارمندی که به حساب‌های جاری شرکت دسترسی دارند، نسبت به کارفرمایان خود وظیفه امانت‌داری دارند، بانک‌ها نسبت به مشتریانی که در بانک حساب دارند وظیفه امانت‌داری دارند، برنامه‌ریزان مالی نسبت به مشتریان خود وظیفه امانت‌داری دارند، در یک رابطه وکالت، نماینده (شخصی که مجاز به استفاده از پول است) نسبت به اصیل (صاحب پول) وظیفه امانت‌داری دارد، امین امانت نسبت به اعطاکننده امانت و ذی‌نفعان آن وظیفه امانت‌داری دارد، نماینده شخصی دارایی شخص متوفی نسبت به دارایی و ذی‌نفعان آن وظیفه امانت‌داری دارد.

این وظیفه مستلزم استفاده از پول طبق دستور مشتری یا کارفرما و در صورت عدم وجود دستورالعمل، استفاده از پول به نفع مشتری یا کارفرما است. امانت‌داری در قانون مدنی نوعی تکلیف مراقبت است.

هنگامی که امانت‌داری وظیفه امانت‌داری خود را نقض کند، قربانی حق دارد علیه امانت‌دار در دادگاه مدنی اقامه دعوی

نامحدودی را برای سرمایه‌گذاری امانت به متولی اعطا نماید، گسترش می‌یابد. همچنین متولی باید راه درستی را برای سرمایه‌گذاری برگزیند و نهایتاً تعادلی را بین درآمدهای حاصله و سرمایه اصلی برقرار کند، به‌طوری‌که کلیه افراد ذی‌نفع در امانت، از عملکرد او راضی بوده و آن را منصفانه بدانند.

۳- متولی نباید خود نیز از امانت منتفع گردد: یک قاعده کلی که در این خصوص وجود دارد، این است که اگر در نتیجه اعمال متولی، سودی عاید وی گردد، باید به حساب افراد ذی‌نفع واریز شود و خود او هیچ حقی جز آنچه در سند امانت مقرر گردیده است، ندارد.

۴- اعطای نمایندگی در انجام وظایف: متولی مجاز به انتصاب یک نماینده بوده، اما در صورتی می‌تواند اقدام به تفویض برخی از اختیارات خود نماید که آن نماینده در رشته خاصی انتخاب شود. در هر حال متولی نمی‌تواند اختیارات شخصی و صلاحیت خود را به دیگری تفویض نماید و باید شخصاً آن‌ها را انجام دهد و اتخاذ تصمیماتی در خصوص گزینش نوع سرمایه‌گذاری برعهده خود متولی می‌باشد، در نتیجه اختیارات قانونی، مضیق بوده و افزایش این اختیارات طبق شروط مندرج در سند امانت، مجاز می‌باشد.

۵- حفظ و ثبت حساب‌ها: متولی موظف به نگاه‌داری دفاتر حساب بوده و ملزم به ارائه آن‌ها به یک منتفع، جهت بررسی می‌باشند.

۶- تغییر و تحول در امانت: در این خصوص هیچ‌گونه اجازه‌ای به امین داده نشده است و تنها متولی می‌تواند نوع معاملاتش را با رضایت افراد ذی‌نفع تغییر دهد و این دادگاه است که در مواقع لزوم بر طبق قانون امانت مصوب ۱۹۵۸ اقدام به صدور حکم مبنی بر تغییر و تحول در امانت را صادر نماید و دادگاه می‌بایست متقاعد گردد که این تغییر برای نفع اشخاصی بوده که به نمایندگی از سوی آن‌ها، تأییدیه اعطا می‌گردد.

۷- حق الزحمه: امین مجاز نیست به‌خاطر انجام خدماتش حق الزحمه‌ای بگیرد، مگر زمانی که طبق سند امانت یا طبق

جبران ضرر نامشروع یا خطری که برای دیگران ایجاد شده است، مسئولیت بدون تقصیر فرض کند، زیرا اکثر اندیشمندان پذیرفته‌اند که روابط انسان‌ها چنان تنوع دارد که محال است تمام مسائل پیچیده مسئولیت را بر یک اصل ثابت و انعطاف‌ناپذیر مبتنی ساخت، بدین سبب حقوق‌دانان در همه مسائل از یک اصل پیروی نکرده‌اند که دلیل آن اجرای عدالت و رعایت نسبی انصاف می‌باشد. در مجموع بحث تقصیر، در بین اصول کلی مسئولیت اهمیت دوچندان دارد، زیرا هم مبنای مسئولیت است و هم در اثبات رابطه سببیت نقش اساسی دارد، به همین جهت هر جا در نوع مسئولیت تردید شود، باید به اصل استناد کرد (قاسم‌زاده، ۱۳۸۷: ۷۲). قانون‌گذار در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹/۰۲/۰۷، به‌عنوان یک اصل و قاعده کلی، مبنای مسئولیت را بر پایه تقصیر قرار می‌دهد. طبق این نظریه، برای این‌که زیان‌دیده بتواند عامل ورود زیان را به جبران خسارت محکوم نماید، باید ثابت کند که تقصیر عامل ورود زیان، باعث ورود خسارت شده است، بنابراین در مسئولیت قهری، اثبات تقصیر برای حکم به جبران خسارت، ضروری است.

آنچه در خصوص عقد امانی مطرح می‌شود، این است که اگر مالک، امین را از برهم‌زدن ترتیبات منع کرده باشد و امین بدون بیم تلف مال، این ترتیبات را بر هم زند، مرتکب تقصیر شده است (خوانساری، ۱۳۶۴: ۴۳۵) و اگر در صورت عدم تغییر ترتیبات، بیم از تلف مال وجود داشته باشد، ماده ۶۱۳ ق.م.مقرر کرده است که: «هرگاه مالک برای حفاظت مال ودیعه ترتیبی مقرر نموده باشد و امین جهت حفظ مال، تغییر آن ترتیب را لازم بداند، می‌تواند تغییر دهد، مگر این‌که مالک صریحاً نهی از تغییر کرده باشد که در این صورت ضامن است.» ولی فقهای امامیه به جهت حفظ مال، به امین اختیار داده‌اند که مال را به طریق متعارف حفظ نماید، ولو مالک او را از تغییر ترتیبات مذکور منع کرده باشد (علامه حلی، ۱۴۱۸: ۱۸۶؛ نجفی، ۱۹۸۱: ۱۱۴؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۲۱: ۲۹۷؛ بروجردی، ۱۳۸۰: ۳۴۰). افزون بر این امر، عده‌ای از فقها در صورت بیم تلف یا نقصان مال، تغییر ترتیبات مالک را لازم دانسته و در صورت عدم آن، امین را گناهکار محسوب کرده‌اند، البته چون تقصیر

کند، اگر دادگاه علیه امانت‌دار حکم کند، او باید پولی را که قربانی به دلیل اعمال امانت‌دار از دست داده است، بازپرداخت کند. در برخی موارد، اتهامات جنایی نیز ممکن است اعمال شود، اگرچه در قانون جرم خاصی به نام «نقض امانت‌داری» وجود ندارد، دادگاه ممکن است به پرداخت غرامت، یعنی بازگرداندن پول به قربانی، حکم دهد. استرداد اغلب بخشی از مجازات برای افرادی است که در جرایم مجرم شناخته شده‌اند، جایی که دادگاه می‌تواند ارزش دلاری خسارات مالی که قربانی متحمل شده است را تعیین کند (Ratzan & Accidomo, 2024).

۴- مفهوم مسئولیت امین و مبانی نظری آن

در حقوق ایران، مسئولیت به تعهد قانونی شخص بر رفع ضرری که به دیگری وارد کرده است، گفته می‌شود، خواه این ضرر ناشی از تقصیر ایجادکننده ضرر باشد یا ضرر در اثر فعالیت او حاصل شده باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۶۴۲). در حقوق کنونی مسئولیت مدنی تکیه بر جبران خسارت دارد نه مجازات متخلف که به دو شعبه مهم تقسیم شده است: ۱- مسئولیت قراردادی که در نتیجه اجرانکردن تعهد ناشی از عقد به وجود می‌آید. به عبارتی تعهد جدیدی است که به سبب نقض قرارداد، برعهده مدیون قرار می‌گیرد که آن را تعهد ثانوی یا فرعی نام نهاده‌اند تا از تعهد اصلی متمایز شود (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۱۵۰)؛ ۲- مسئولیت قهری، در فرضی که دو شخص هیچ پیمانی با هم ندارند و یکی از آن دو به عمد یا خطا، به دیگری زیان می‌رساند، مسئولیت را غیرقراردادی یا خارج از قرارداد می‌نامند که ریشه این مسئولیت، پیمان بین زیان‌زننده و زیان‌دیده نیست، بلکه تخلف از تکالیف قانونی است که برای همه وجود دارد.

برای تحقق مسئولیت مدنی، وجود سه رکن اساسی، ضروری است که در صورت فقدان یکی از این سه رکن، مسئولیت منتفی می‌شود: ۱- ضرر؛ ۲- فعل زیان‌بار؛ ۳- رابطه سببیت بین عمل زیان‌بار و ضرر (باریکلو، ۱۳۸۵: ۶۰/۱). مسئولیت رکن متغیری نیز دارد که تقصیر است که در بیشتر نظام‌های حقوقی، مسئولیت اصولاً بر پایه تقصیر استوار است، ولی هرگاه مصالح جامعه اقتضا کند، قانون‌گذار می‌تواند برای

متعهد است، انگار که به‌عنوان امانت‌دار منصوب شده باشد (Martin, 2006: 549).

در حقوق کامن‌لا در قرن نوزدهم این تمایل به‌وجود آمد که مسؤولیت بر مبنای تقصیر استوار شود، یعنی کسی مسؤول باشد که از نظر اخلاقی مرتکب خطا شده است و تنها در این دوره است که می‌توان ادعا کرد، نظریه تقصیر به‌طور کامل در کامن‌لا پذیرفته شده است.

تقصیر، کوتاهی در اعمال دقتی است که وظیفه احتیاط‌کردن در آن وجود دارد و این کوتاهی هنگامی موجب خسارت می‌شود که باید نسبت به احتیاط انجام می‌شد.

برای تحقق مسؤولیت خواننده، باید یک رابطه سببیت واضح و بلافصل، مابین نقض وظیفه او و خسارتی که خواهان متحمل شده است، وجود داشته باشد، یعنی نقض وظیفه باید سبب واقعی ضرر باشد و لازم نیست که علت منحصر ضرر باشد، اما باید عامل مستقل و مؤثر باشد (Hunt, 2003: 215-222).

در پذیرش نظریه تقصیر و وجود عنصر سببیت، باید این امر را در نظر گرفت که هرگاه شخص، مرتکب تقصیر شود، ولی بین خطای او و ضرر ایجادشده، سبب دیگری واقع شود، مانند اقدام ثالث یا اقدام زیان‌دیده، هرگاه این اقدام از ناحیه مقصر اولی قابل پیش‌بینی نباشد، رابطه سببیت بین تقصیر او و ضرر ایجادشده قطع می‌شود و او مسؤول جبران خسارت نیست، ولی هرگاه اقدام دوم از ناحیه مقصر اولی قابل پیش‌بینی باشد، او مسؤول ضرر ایجاد شده است که این امر در حقوق انگلیس، قاعده «دخالیت سبب خارجی بین فعل عامل زیان و ضرر» نام دارد.

در مجموع باید گفت که در حقوق کامن‌لا در نظریه «مسؤولیت بر مبنای تقصیر»، زمانی خسارت قابل طرح دعوی می‌باشد که ضرری ایجاد شده باشد و بین عامل زیان و فعل زیان‌بار، رابطه سببیت وجود داشته باشد و سعی می‌کنند که مفهوم مسؤولیت مدنی^۱ را از نقض قرارداد^۲ جدا سازند (Baker, 1991: 2-3).

مبتنی بر دستور مالک است، او ضامن نیست و مالک حق رجوع به امین را نخواهد داشت (طباطبایی، ۱۴۲۰: ۱۵۰؛ شهیدالثانی، ۱۴۲۵: ۹۲). نتیجه این که ظاهراً نظریات فقهی اختیار تغییر ترتیبات را در صورت عدم کفایت آن، مجاز می‌دانند و آن را تقصیر محسوب نمی‌کنند که با قواعد و اصول حقوقی مطابق است، زیرا عرفاً وقتی مالک ترتیبی را قید می‌کند و امین را از تغییر آن نهی می‌کند، به این معنا است که ترتیبات مزبور برای حفظ مال کافی است و در واقع قصد مالک از نهی، ممانعت امین از تخلفات احتمالی است و نهی مالک شامل فرضی که ترتیبات برای حفظ مال کافی نباشد، نمی‌شود. همچنین تعهد قراردادی او به حفظ مال و لزوم وفای به آن، حاکی از آن است که او باید مال را از تلف حفاظت نماید و تغییر ترتیبات جهت حفظ مال، تقصیر محسوب نشود، بدین ترتیب حفظ مال و عدم ارتکاب تعدی و تقریب، نوعی و عرفی است (امامی، ۱۳۸۴: ۲۶۷).

در حقوق انگلیس، نقض امانت ممکن است عمدی یا سهوی باشد، ممکن است شامل سوءاستفاده از اموال امانت یا صرفاً سرمایه‌گذاری یا معاملات دیگری باشد که خارج از اختیارات متولیان است. عدم انجام تعهد مثبت متولیان یا صرفاً عدم مهارت و مراقبت از طرف آن‌ها در اداره اموال امانی، ممکن است به منافع ذی‌نفعان آسیب برساند یا در واقع به نفع آن‌ها باشد (Breen, 2015: 1).

به‌عبارت دیگر حقوق قراردادی، شامل الزامات خصوصی است که انعقاد آن ارادی است و توسط اشخاص ذی‌حق (متعاقدین) اجرا می‌شود. برای فرض مسؤولیت در صورت ایراد ضرر، باید بین زیان‌دیده و عامل ورود ضرر، قرارداد وجود داشته باشد که تنها در این صورت، مسؤولیت جنبه قراردادی می‌یابد. بنابراین اگر کسی طرف قرارداد را تشویق یا تحریک به نقض عهد کند، به‌عنوان مسؤول قراردادی، طرف دعوی قرار نمی‌گیرد (Dugdale, 2010: 11).

همچنین در مواردی پیش می‌آید که یک شخص غیرمرتبط با امانت، مال مورد امانت را می‌گیرد که در این صورت وی وظیفه دارد به‌عنوان یک امانت‌دار عمل کند، در نتیجه وی

^۱- Tort

^۲- Breach of Contract

امین اقدام به استفاده از مال مورد ودیعه به‌عنوان مال مالک کند و یا در اقدامات حفاظتی آن کوتاهی کند، این نوع تقصیر، چون با حق مالکیت مالک در تضاد نیست، عقد امانی به اعتبار خود باقی است و بحث لزوم جبران خسارت به میان می‌آید (عمید زنجانی، ۱۳۸۲: ۱۸۱).

در رابطه با بقای وصف امانت یا خدشه‌واردشدن بر آن در صورت تقصیر، در میان تمامی نظرات فقهای امامیه و حقوق‌دانان ایران، نظر گروهی قابل قبول است که معتقدند: «اگر امین ترک تقصیر کند، دلیلی برای ضمان وی وجود ندارد، زیرا با باقی‌بودن عقد امانی مانند وکالت، عاریه و ودیعه، اقتضای امانت همچنان موجود می‌باشد و قدر متیقن از مدت ضمان امین، زمان ارتکاب تقصیر است و استصحاب حکم ضمان در ایام ارتکاب تقصیر، برای زمان ترک تقصیر ممنوع است، زیرا با ترک تقصیر، موضوع عوض می‌شود، درحالی‌که یکی از شرایط حجیت استصحاب، وحدت و یا عدم تغییر موضوع است» (طباطبائی یزدی، ۱۴۲۵: ۲۱۹). همچنین با ترک تقصیر و حکم به باقی‌بودن عقد، وجهی برای ضمان وجود ندارد (خوانساری، ۱۳۶۴: ۴۳۵؛ باریکلو، ۱۳۸۸: ۲۷۱). این نظریه با منطبق حقوقی و اصول حاکم بر قراردادها منطبق‌تر است، زیرا وقتی امین ترک تقصیر نمود، موجبی برای عدم وجود اثر عقد باقی نمی‌ماند و لازم است عقد اثر خود را که یکی از آن امانی‌بودن وضعیت تصرف متصرف است، داشته باشد، چون فایده اصلی عقود در اثر آن است و اگر عقد باقی باشد، ولی اثری نداشته باشد، اعتبار و صحت آن لغو و زائد است. بنابراین اقتضای قواعد در آن است که تصرفات بعد از تقصیر امین، مشروع و امانی باشد. باتوجه به این‌که در حقوق ایران، عقد از لحاظ ثبات و عدم ثبات، به دو نوع جایز و لازم تقسیم شده است، اگر تصرف و تعهد امین مقصر ناشی از عقود لازم باشد، ارتکاب تقصیر بر آن اثری نخواهد گذاشت، ولی اگر طرف دیگر قرارداد قادر بر ممانعت از ادامه تقصیر نباشد، می‌تواند به استناد خیار تخلف شرط، عقد را فسخ کند.

اما در حقوق انگلیس مسئولیت مدنی عبارت است از یک تقصیر و خطای مدنی، غیر از نقض قرارداد یا نقض یک

درخصوص مسئولیت کیفری، در حقوق ایران، یکی از شرایط تحقق بزه خیانت در امانت، سپردن مال امانی توسط مالک یا متصرف قانونی به امین می‌باشد. بنابراین اگر کسی خود مالی را به‌دست آورده باشد، ارتکاب جرم خیانت در امانت توسط وی قابل تصور نخواهد بود (میرمحمدصادقی، ۱۳۷۸: ۱۵۰).

در حقوق انگلیس، یکی از اجزای عنصر معنوی سرقت، قصد محروم‌کردن دائمی مالک از مال است و همین‌که مرتکب با قصد محروم‌ساختن دائمی مالک، عملی را مرتکب شده و محرومیت مالک را در پی داشته باشد، سرقت به‌صورت تام و کامل واقع شده است (Elliott & Quinn, 2000: 148).

بدین‌ترتیب در هر دو نظام حقوقی ایران و انگلیس، خیانت در امانت، ازجمله جرایم مقید است و تحقق کامل آن به حصول نتیجه مجرمانه بستگی دارد و نتیجه مجرمانه در این جرم همانند سایر جرایم مالی، ضرر و زیان مادی است که به مالک یا متصرف قانونی وارد می‌شود.

۵- ضمانت اجرای تخلف امین از مقررات امانی

منظور از ضمانت اجرا، جبران خسارت و خدشه‌واردکردن به وصف امانت می‌باشد. در حقوق ایران، امین موظف است طبق مفاد قرارداد یا دستور قانون‌گذار عمل کند. در فقه امامیه، نظریه مشهور بر این مبتنی است که تقصیر از عوامل مسئولیت شخص نسبت به مال دیگری است که با ارتکاب آن، متصرف، ضامن مطلق جبران خسارت وارده به مال خواهد شد (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۹۰-۳۸۹؛ موسوی خمینی، ۱۳۹۰: ۵۹۳) و در حقوق ایران در ماده ۶۱۳ ق.م. به‌عنوان قاعده کلی، هر امین مقصری مسئول مطلق خسارت وارده بر عین اعلام شده است (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۵۸؛ شهیدی، ۱۳۷۹: ۱۰۸؛ حائری، ۱۳۸۲: ۵۹۹؛ عدل، ۱۳۷۳: ۳۱۶). نکته‌ای که در قوانین موضوعه ایران قابل ذکر است، در رابطه با تقصیر امین، در عقود جایز است که هرچند در این خصوص یک اصل کلی را نمی‌توان حاکم کرد، اما می‌توان گفت، چون بعضی از مصادیق تقصیر با بقای عقد منافات دارد، لذا برای تعیین وضعیت عقد جایز، شایسته است به نوع تقصیر امین نیز توجه شود، اگر تقصیر امین عرفاً با حق مالکیت مالک منافات نداشته باشد، موجب انفساخ عقد نمی‌شود، مانند موردی که

کلیه خسارات وارد بر مال مورد امانت می‌شود، اگرچه قصد انجام وظیفه، به‌نحو احسن را داشته باشد و به سود ذی‌نفع عمل کند (Mandstey & Burn, 1978: 431-432).

جبران خسارت به‌عنوان یکی از ضمانت‌اجراهای تخلف‌امین از انجام وظایف مندرج در سند امانت محسوب می‌شود. در سه مورد ذیل‌امین، مسؤول جبران خسارات وارده به مال امانت خواهد بود: ۱- درجایی که امین وکیل خصوصی در امانت باشد و نقض امانت به‌واسطه تدابیر و توصیه‌های او باشد؛ ۲- درجایی که امین از نقض امانت بهره برده باشد؛ ۳- درجایی که امین، ذی‌نفع در نقض امانت باشند، به‌ویژه درجایی که باعث نقض امانت نیز گردند، یعنی در هر صورت، نقض امانت، منافی را برای وی به‌همرا داشته باشد (Barker & Padfield, 1998: 230-239).

امین در قبال ذی‌نفع، مسؤول جبران خسارت‌هایی است که بین نقض وظیفه‌اش و خسارت ایجادشده، رابطه سببیت وجود داشته باشد، اگرچه خسارت واردشده در راستای فعالیتش در زمینه‌های مناسب و منطقی باشد، زیرا موجب بروز خسارت شده است، اما اگر مال امانی از آسیب حفظ بماند، دیگر مسؤولیتی برعهده امین نمی‌باشد. همچنین اگر امین، مرتکب نقض عمدی یا کمتر از استاندارد لازم، جهت مراقبت شود، طبق قانون انگلیس، خسارت ناشی از نقض احکام امانت را، باید از اموال شخصی خود بپردازد.

مسأله‌ای که در راستای جبران خسارت مطرح می‌شود، ضبط اموال امانی (مصادره) می‌باشد، با این توضیح که امین، در نقض امانت، وجوه امانی را درجهت خرید یک ملک، مورد استفاده قرار می‌دهد که در این صورت منتفعین از حق مصادره ملک برخوردار می‌شوند و محق به مطالبه ملک می‌باشند، این ملک، اگرچه به‌شکل متفاوت، تحت مالکیت آن‌ها می‌باشد، اما اگر امین یا قبض‌کننده اموال امانی، مبادرت به ادغام وجوه دریافتی با وجوه شخصی خویش نماید، قوانین مصادره خاص، اعمال خواهد گردید. ضبط اموال دارای دو مزیت مهم درخصوص اقامه دعوی خسارات می‌باشد. اولاً، چنانچه یک شخص که اموال امانی را قبض نموده است، ورشکسته گردد، منتفع نسبت به این اموال درواقع از حق

رابطه امانی. از این‌رو مسؤولیت مدنی، نوعی جبران خسارت است برای ضررهای ناشی از: ۱- دخالت مستقیم و عمدی در امور اشخاص، اموال و زمین (تصرف عدوانی)؛ ۲- دخالت غیرمستقیم در زمین اشخاص (مزاحمت و ممانعت از حق)؛ ۳- دخالت غیرعمدی و غیرمحتاطانه در اموال یا اشخاص (تقصیر)؛ ۴- از بین بردن شهرت و اعتبار دیگری (توهین، افترا). بنابراین در هر مورد که شخص ناگزیر از جبران خسارت^۱ دیگری باشد، گفته می‌شود که در برابر او «مسؤولیت مدنی» دارد. مسؤولیت، لازمه داشتن اختیار است، انسان آزاد و عاقل از پیامد کارهای خویش آگاه و مسؤول آن است. بنابراین مسؤولیت شخص نسبت به جبران خسارت ناشی از اعمال خود، قاعده‌ای طبیعی و موافق قاعده است. بر مبنای مسؤولیت مدنی، رابطه دینی ویژه‌ای بین زیان‌دیده و مسؤول به‌وجود می‌آید، زیان‌دیده، طلبکار و مسؤول، طلبکار می‌شود و موضوع بدهی، جبران خسارت است که به‌طور معمول با دادن پول انجام می‌پذیرد (Dugdale, 2010: 1-30).

آنچه که در مسؤولیت مدنی و جبران خسارت نقش عمده‌ای را ایفا می‌کند، «تقصیر زیان‌دیده» و اثر آن بر مسؤولیت عامل زیان است. هرگاه تقصیر زیان‌دیده (یا اقدام او در موردی که تقصیر شرط نیست). در وقوع خسارت وارد بر او دخالت داشته باشد، این امر موجب می‌شود که او از جبران آن بخش از خسارت که متناسب به تقصیر (یا اقدام) او بوده است، محروم شود، مشروط بر این‌که بتوان خسارت ایجادشده را به‌هردو قابل انتساب دانست. در فرضی که اقدام زیان‌دیده در نتیجه تقصیر عامل زیان صورت گرفته است، این امر تأثیری بر مسؤولیت عامل زیان نداشته و او مسؤول جبران تمام خسارت وارد بر زیان‌دیده است. تقسیم مسؤولیت بین زیان‌دیده و عامل زیان، به‌صورت تساوی است، هرچند میزان تأثیر هرکدام و نیز درجه تقصیر هر یک متفاوت باشد (Baker, 1991: 190).

بدین ترتیب وظایف امین، از جمله وظایف امری است که قاعده انصاف صریحاً اعلام می‌دارد، باید به‌صورت تمام و کمال انجام پذیرد و در صورت قصور در انجام وظایف خود، مسؤول

^۱ - Restitution

به‌طور کلی، استاندارد مربوط به‌دقت ضروری برای امین، در حد بالایی قرار دارد. به همین جهت اگر نقض امانت، در مواردی تحقق یابد که حتی قصد عمدی درخصوص فریب یا صدمه‌زدن به منتفعین وجود نداشته باشد یا به‌صورت خودسرانه و با قصور یا در اثر کوتاهی و بی‌مبالاتی در مواظبت از مال امانی اتفاق بیفتد، مسئولیت فرض می‌شود. در مواقعی که اقدام صادقانه و معقول انجام شده باشد، برائت از حقوق مسئولیت به یک امین از سوی دادگاه اعطا می‌شود. در حقوق انگلیس یک اقدام درجهت نقض امانت، به‌طور معمول بیش از شش‌سال از تاریخ نقض، قابل پیگرد نمی‌باشد. استثنای وارده بر این قاعده، در موردی است که فریب امین احراز گردیده و سایر شرایط وجود داشته که موجب انقطاع مرور زمان می‌گردد (Barker & Padfield, 1998: 238-239).

درخصوص جنبه کیفری در حقوق ایران جرم خیانت در امانت در ماده‌های ۶۷۳ و ۶۷۴ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی آمده است. یک جرم آنی است و به محض تحقق یکی از افعال مذکور، این جرم ارتکاب می‌یابد. خیانت در امانت موقعی محقق می‌شود که مال مورد امانت فروخته شده است (متین دفتری، ۱۳۸۱: ۱۳۹). ماده ۶۷۳ ق.م.ا: «هرکس از سفید مهر یا سفید امضایی که به او سپرده شده است یا به هر طریق به‌دست آورده، سوءاستفاده نماید، به شش‌ماه تا یک‌سال و شش‌ماه حبس محکوم خواهد شد.» ماده ۶۷۴ ق.م.ا: «هرگاه اموال منقول یا غیرمنقول یا نوشته‌هایی از قبیل سفته و چک و قبض و نظایر آن به‌عنوان اجاره یا امانت یا رهن یا برای وکالت یا هر کار با اجرت یا بی‌اجرت به کسی داده شده و بنابر این بوده است که اشیای مذکور مسترد شود یا به مصرف معینی برسد و شخصی که آن اشیا نزد او بوده، آن‌ها را به ضرر مالکین یا متصرفین آن‌ها، استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نماید، به حبس از سه‌ماه تا یک‌سال و شش‌ماه محکوم خواهد شد.»

در هر دو کشور ایالات متحده و انگلستان، نقض اعتماد به‌خودی‌خود به‌عنوان یک جرم کیفری تحت قانون عادی محسوب نمی‌شود. با این حال، اگر نقض اعتماد شامل اقداماتی مانند تقلب، سوءاستفاده از اموال یا سرقت باشد، می‌تواند منجر به اتهامات کیفری شود. در ایالات متحده، نقض اعتماد در قانون مدنی، اغلب منجر به دادخواهی‌های

تقدم نسبت به طلبکاران شخص ورشکسته برخوردار می‌باشد؛ ثانیاً یک منتفع می‌تواند از منافع حاصل از افزایش بهای اموال، بهره‌مند گردد (Barker & Padfield, 1998: 238).

قابل ذکر است که در حقوق انگلیس نیز امین متعهد است که فعل و تعاملات خود را همان‌طور که واگذارکننده مقرر نموده، انجام دهد و درصورت تخطی و یا تقصیر نسبت به آن مسؤول است. بنابراین اگر تعدادی امین با وظایف مشخص برای مالی تعیین شدند، هریک از آنان در قبال نقض وظیفه، متعهد هستند و مشترکاً مسؤول شناخته می‌شوند، اما اگر احدی به‌طور یک‌جانبه مرتکب نقض وظیفه گردد، دیگر امین‌ها مسؤول شناخته نمی‌شوند و فرد مذکور مسؤول جبران خسارت خواهد شد. ضمانت اجرای تخلف از انجام وظایف مندرج در سند امانت توسط متولی^۱ این است که هرگاه به‌علت برخی از اعمال و سرمایه‌گذاری‌های نامناسب و یا غفلت و قصور یا ترک وظیفه متولی ضرری به مال وارد آید، افراد ذی‌نفع، می‌توانند اعمال زیر را علیه او انجام دهند:

- ۱- علیه او برای جبران خسارت وارده، اقامه دعوی نمایند؛
- ۲- در برخی از موارد می‌توانند علیه او شکایت کیفری نمایند (قانون سرقت، ۱۹۶۸)؛
- ۳- تعقیب مالکیت مال امانت (Barker & Padfield, 1998: 230-239).

منع متولی از معامله با اموال امانتی به‌منظور منافع شخصی خود، طبق «قوانین جدایی‌ناپذیر احکام متعهدین» به این معنا نیست که متولی، اموال امانتی را به‌دلیل امانی‌بودن، در موقعیتی بگذارد که نتواند از آن بهره‌برداری کند، بلکه منظور بهره‌برداری به سود منتفعین مال امانی می‌باشد و در این رابطه دادگاه اهمیت شایستگی آن عملیات پولی را بررسی می‌کند و می‌تواند اظهار عقیده کند، زیرا گاهی ممکن است خلاف‌هایی که متعهد، مرتکب شده است، ازجمله خلاف‌های جدانشدنی از انجام وظیفه متعهد باشد، لذا دادگاه باید تصمیم نهایی را در باطل‌بودن یا نبودن آن بگیرد (Jones Co, 2008: 4).

^۱ - Trustee

نتیجه‌گیری

در دو نظام حقوقی ایران و کامن‌لا در رابطه با مفهوم امانت و امین، در حقوق ایران امانتی که با اراده طرفین شکل می‌گیرد، اغلب در قالب عقود امانی، اذنی و نیابتی مطرح می‌شود و برای امین صرفاً حق تصرف امانی ایجاد می‌کند، اما امانت در کامن‌لا، از جمله قراردادهایی است که هم دارای ویژگی‌های عقود امانی - نیابتی مانند وصایت، وکالت و هم دارای ویژگی‌های عقود تملیکی، مانند بیع، هبه و... می‌باشد، لذا نمی‌توان آن را در قالب خاصی آورد و با عقود امانی - نیابتی به معنای عام یا خاص مورد مقایسه قرار داد. همچنین امانتی که در کامن‌لا وجود دارد، تا حدودی بیشترین شباهت را با وقف عام و خاص در حقوق ایران دارد، ولی در عین حال باز هم نمی‌توان آن را وقف معنا کرد، چراکه دارای ویژگی‌هایی است که مانع از این اسم‌گذاری می‌گردد، به این جهت که طبق قوانین موضوعه ایران در وقف، متولی تنها حق اداره کردن اموال را تا حدی که به او اختیار داده شده است، دارد، ولی در کامن‌لا، امین علاوه بر اداره کردن مال امانی به سود ذی‌نفع، اجازه هرگونه معامله بدون ریسک به نفع مالک مال امانی را دارد.

در حقوق ایران بحث امانت به صورت خاص با شرایط و ویژگی‌های عقد گره خورده است، به گونه‌ای که در عقود جائز، تقصیر امین، موجب انفساخ عقد نمی‌شود و عقد در زمان تقصیر و بعد آن به اعتبار خود باقی است، زیرا اذن در تصرف باقی است، البته برای تعیین وضعیت عقد جایز، نوع تقصیر امین را مؤثر می‌دانند که اگر تقصیر امین عرفاً با حق مالکیت مالک منافات داشته باشد، موجب انفساخ عقد می‌شود، درحالی‌که در کامن‌لا امانت، تأسیسی خاص و منحصر به فرد است و به هیچ‌یک از قوانین و شرایط عقود مرتبط نمی‌باشد و قوانین خاص خود را دارد.

همان‌طور که در فقه و حقوق ایران، امین، محسن محسوب می‌شود و براساس قاعده احسان، وی مسؤول تلف یا نقصان مال امانی نیست، مگر این‌که تلف یا نقصان ناشی از تعدی یا تفریط وی نسبت به مال امانی باشد، در کامن‌لا هم در

مدنی می‌شود، جایی که شخص معتمد (یا امانت‌دار) ممکن است به خاطر خسارت‌ها یا اجرای خاص تحت پیگرد قرار گیرد. شخص متضرر ممکن است به دنبال جبران خسارت، صدور دستور توقیف یا حسابرسی باشد.

در اتهامات کیفری، اگر نقض اعتماد شامل رفتار مجرمانه باشد (مانند سوءاستفاده از وجوه). ممکن است به اتهاماتی مانند سوءاستفاده از اموال یا تقلب منجر شود که این‌ها جرایم کیفری هستند. در انگلستان: نقض اعتماد در قانون مدنی، مشابه ایالات متحده، نقض اعتماد معمولاً در دادگاه‌های مدنی مطرح می‌شود، جایی که شخص معتمد ممکن است برای هرگونه خسارت یا ضرر ناشی از نقض خود پاسخگو باشد. در جرایم کیفری، اگر نقض اعتماد شامل رفتار نادرست باشد، ممکن است به اتهامات کیفری مانند سرقت، تقلب یا سوءاستفاده از مقام عمومی منجر شود.

به‌طور خلاصه، درحالی‌که نقض اعتماد در درجه اول یک مسأله مدنی در هر دو کشور ایالات متحده و انگلستان است، اگر نقض شامل اقدامات متقلبانه یا نادرست باشد، می‌تواند به اتهامات کیفری منجر شود (Hudson, 2015: 22).

با این وجود ایالت فلوریدا، یک جرم جنایی خاص را به رسمیت می‌شناسد که به‌عنوان «بهره‌کشی مالی از افراد مسن یا معلول، بزرگسالان آسیب‌پذیر» شناخته می‌شود، اگر نماینده از وکالت‌نامه‌ای برای تصمیم‌گیری مالی از طرف بزرگسال آسیب‌پذیر، آگاهانه به نفع خود متحمل خسارات مالی به سالمند شود، می‌تواند متهم به این جرم شود. همچنین در صورتی‌که وکالت‌نامه‌ای نباشد، اما شخص، یکی از اعضای خانواده یا مراقب حرفه‌ای قربانی ادعا باشد، این اتهامات نیز می‌تواند اعمال شود. اگر میزان خسارات مالی بیش از پنجاه هزار دلار باشد، حداکثر مجازاتی که برای محکومیت ممکن است با آن روبه‌رو شود، سی سال زندان است. اگر میزان خسارات مالی کمتر باشد، عواقب آن کمتر است، اما همچنان می‌تواند شامل مدت زندان باشد.

مواقعی که دادگاه اقدام امین را صادقانه و معقول تشخیص دهد، برائت از مسئولیت به امین اعطا می‌کند.

درخصوص وظایف و تخلف امین و بالتبع مسئولیتی که بر امین مقصر بار می‌شود در نظام حقوقی ایران در ودیعه مستودع فقط مسؤل نگاه داری از مال است و اگر در امور دیگری همچون سرمایه‌گذاری و انجام معاملات بخواهد دخالت کند، باید حتماً از طرف مالک، وکالت داشته باشد، ولی امین در کامن‌لا تا حد زیادی در مقام اداره مال امانت، از اختیار اعمال تصرفات مالکانه در مال امانی، از جمله فروش و وکالت در اداره برخوردار است.

بنابراین در هر دو نظام حقوقی امین، متعهد است که فعل و تعاملات خود را طبق شرایطی که طرف مقابل مقرر نموده، انجام دهد و در صورت تخطی یا تقصیر، بر امین مقصر، ضمانت اجرای قانونی بار شده است که جبران خسارت در درجه اول قرار دارد، البته جبران خسارت تنها اثر نقض وظیفه امانت توسط امین نمی‌باشد، بلکه در حقوق ایران به تناسب نوع عقد بحث زوال وصف امانی نیز به میان می‌آید، اما در کامن‌لا در امانت به این دلیل که استاندارد مربوط به دقت ضروری برای امین، در حد بالایی قرار دارد، حتی اگر نقض امانت، در مواردی تحقق یابد که قصد عمدی درخصوص فریب یا صدمه‌زدن به منتفعین وجود نداشته باشد، صفت امانت از بین می‌رود و مسئولیت فرض می‌شود.

از جنبه کیفری، از جمله جرایم علیه اموال و مالکیت، جرم خیانت در امانت است، همچنانکه در برخی از آیات قرآن کریم و همچنین احادیث و روایات نیز به قباحت خیانت در امانت پرداخته شده و ارتکاب آن به شدت نهی گردیده است. قانون‌گذار ایران نیز در راستای عمل به قواعد فوق و بالاخص حمایت از حق مالکیت افراد، عمل مزبور را جرم تلقی و برای مرتکبین آن ضمانت اجرای کیفری قائل شده است. در قانون مدون ایران تعریف مشخصی از بزه خیانت در امانت به میان نیامده است، ولی با عنایت به تعاریف مختلفی که توسط علمای حقوق ارائه شده است، به نظر می‌رسد که بتوان جرم خیانت در امانت را این‌گونه تعریف نمود: «خیانت در امانت عبارت است از استعمال، تصاحب، تلف و یا مفقودکردن مال

یا وسیله تحصیل مال توسط امین به ضرر مالک یا متصرف قانونی.» در حقوق آمریکا و انگلستان نقض اعتماد در درجه اول یک مسأله مدنی در هر دو کشور ایالات متحده و انگلستان است و اگر نقض شامل اقدامات متقلبانه یا نادرست باشد، می‌تواند به اتهامات کیفری منجر شود. با این وجود ایالت فلوریدا، یک جرم جنایی خاص را به رسمیت می‌شناسد که به‌عنوان «بهره‌کشی مالی از افراد مسن یا معلول، بزرگسالان آسیب‌پذیر» شناخته می‌شود، اگر نماینده از وکالتنامه‌ای برای تصمیم‌گیری مالی از طرف بزرگسال آسیب‌پذیر، آگاهانه به نفع خود متحمل خسارات مالی به سالمند شود، می‌تواند متهم به این جرم شود. همچنین در صورتی که وکالتنامه‌ای نباشد، اما شخص، یکی از اعضای خانواده یا مراقب حرفه‌ای قربانی ادعا باشد، این اتهامات نیز می‌تواند اعمال شود.

ملاحظات اخلاقی: در پژوهش انجام‌شده، حفظ اصالت متون و امانت‌داری در نقل گفتار، به‌عنوان مهم‌ترین بایسته‌های اخلاقی، مورد نظر نویسندگان بوده است.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهام نویسندگان: نگارش و تنظیم مقاله تماماً توسط نویسنده انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمامی کسانی که بنده را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزارم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی و عربی

- امامی، حسن (۱۳۸۴). *حقوق مدنی*. تهران: کتاب‌فروشی اسلامییه.

- انصاری، مسعود و طاهری، محمدعلی (۱۳۸۸). *دانشنامه حقوق خصوصی*. چاپ سوم، انتشارات جنگل.

- باریکلو، علیرضا (۱۳۸۵). *مسئولیت مدنی*. تهران: انتشارات میزان.
- باریکلو، علیرضا (۱۳۸۸). *عقود معین، عقود مشارکتی- توثیقی و غیر لازم*. تهران: انتشارات مجد.
- بروجردی عبده، محمد (۱۳۸۰). *حقوق مدنی*. انتشارات گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*. چاپ اول، کتابخانه گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷). *ترمینولوژی حقوق*. چاپ نوزدهم، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- حائری، علی (۱۳۸۲). *شرح قانون مدنی*. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- خوانساری، احمد (۱۳۶۴). *جامع المدارک*. قم: مکتبه الصدوق.
- شهیدالثانی، زین الدین (۱۳۶۷). *الروضه البهیة*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- شهیدالثانی، زین الدین (۱۴۲۵). *مسالك الافهام*. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- شهیدی، مهدی (۱۳۷۹). *اصول قرارداد و تعهدات*. تهران: انتشارات عصر حقوق.
- طباطبائی یزدی، محمدکاظم (۱۴۲۵). *عروه الوثقی*. قم: مؤسسه النشر الاسلامیه.
- طباطبائی، علی (۱۴۲۰). *ریاض المسایل*. قم: مؤسسه النشر الاسلامیه.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن بن علی بن حسن (۱۴۰۰). *النهایه*. بیروت: دار الكتاب العربی.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن بن علی بن حسن (۱۴۱۱). *الخلاف*. قم: مؤسسه النشر الاسلامیه.
- عدل، مصطفی (۱۳۷۳). *حقوق مدنی*. قزوین: انتشارات بحر العلوم.
- علامه حلی، حسن ابن یوسف بن مطهر (۱۴۱۸). *قواعد الاحکام*. قم: مؤسسه النشر الاسلامیه.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۲). *موجبات ضمان*. تهران: انتشارات میزان.
- قاسم زاده، سیدمرتضی (۱۳۸۷). *الزام ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد*. چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴). *مسئولیت مدنی، الزامهای خارج از قرارداد*. ضمان قهری، انتشارات دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶). *قواعد عمومی قراردادها*. شرکت انتشار.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (۱۳۷۶). *عقود معین چهار، عقود اذنی و وثیقه های دین*. تهران: شرکت انتشار.
- متین دفتری، احمد (۱۳۸۱). *مجموعه رویه قضایی*. تهران: نشر رهام.
- مقدس اردبیلی، احمد (۱۴۲۱). *مجمع الفوائد و البرهان*. قم: مؤسسه النشر الاسلامیه.
- موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۳۹۰). *تحریر الوسیله*. نجف: آداب.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۷۸). *جرایم علیه اموال و مالکیت*. چاپ ششم، تهران: انتشارات میزان.
- نجفی، محمدحسن (۱۹۸۱). *جواهر الکلام*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

ب. منابع انگلیسی

- Baker , D (1991). *TORT*. London: Sweet & Maxwell Ltd
- Barker, D & Padfield, C (1998). *LAW MADE SIMPLE*. 10th ed., London: Made Simple
- Breen, , O (2015). *Trustee Liability for Breach of Trust in the Common Law World*, UCD

Working Papers in Law, Criminology & Socio-Legal Studies Research Paper No. 02/2015 · 22 Pages, Sutherland School of Law, University College Dublin

- Dugdale, A (2010). *Clerk & Lindsell on Torts*. London: Sweet & Maxwell.

- Elliot, C & Quinn, F (2000). *CRIMINAL LAW*. 3rd ed., London: Longman.

- Garner, B (1999). *BLACK'S LAW DICTIONARY*. 7th ed., St. Paul, MN: West Group

- Hudson, A (2015). *Equity and Trusts*. 8th ed., Routledge.

- Hunt, M (2003). *A LEVEL AND AS LEVEL LAW*. 2nd ed., London: Sweet & Maxwell.

- Mandstey, R & Burn, E (1978). *TRUST AND TRUSTEES*. London: Butter Worth.

- Markesinis, B & Deakin, S (1994). *TORT LAW*. 3rd ed., Oxford: Clarendon Press.

- Martin, E (2006), *A DICTIONARY OF LAW*. 6rd ed., Oxford: Oxford University Press

ج. سایت اینترنتی

- Ratzan & Accidomo (2023). When Is Breach of Fiduciary Duty a Crime?, accessed 10 August 2024. rflawgroup.com/When-is-breach-of-fiduciary-dut-a-crime/.

- Edward Jones Co (2008). *Fundamental Duties of a Trustee*, accessed 4 September 2024, www.edwardjones.com